

# فکر نو

## ماهنامه

دینی، فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی

صاحب امتیاز: محمد رسول اعتماد ..... ۰۷۹۵۳۵۳۲۱۱

مدیر مسوول: محمدنصیر توکلی ..... fekrenow21@gmail.com/ tawakuli@yahoo.com/۰۷۹۵۳۴۴۹۱۳

معاونت مدیر مسوول: عبدالکبیر صدیقی ..... ۰۷۹۶۶۹۳۶۵۳

ویراستاران: عبدالرزاق احمدی و میراجان راسخ

برگ آرای: ضیاءالحق عرفانی

گزارشگر: غلام علی غفوری

گروه نویسندگان: محمدنبی احمدی، عبدالباقی، نور محمد نور، رحیمداد رسولی و علاوالدین سکندری

✓ ماهنامه فکر نو، منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم به دستان عزیز می باشد.

✓ ماهنامه فکر نو، در ویرایش مطالب ارسالی دست باز دارد.

✓ به جز سرمقاله، مسوولیت هر نوشته به دوش نویسنده آن می باشد.

سال اول

شماره پنجم

دلو ۱۳۹۲

فبروری ۲۰۱۴

### سرمقاله

از داغ‌ترین خبرها و تازه‌ترین گفت‌وگوها در بین مردم، این روزها، کشمکش‌های انتخاباتی و تبلیغات کاندیدان ریاست جمهوری می‌باشد و شگفت‌انگیزترین چیزی که نخست به چشم می‌خورد، محافل عروسی‌گونه آن‌ها و مصارف بی‌اندازه ایشان است که همانند آسیای گردان می‌چرخد.

هر نامزد و کاندید ریاست جمهوری می‌کوشد تا بیش‌تر از حریفان خود، تبلیغات وسیع‌تر و گسترده‌تری داشته باشد و از این راه، توجه افراد بیش‌تری را به سوی خود جلب نموده طرفداران زیادی را فراخواند.



## این بار مردم کاندیدان را تجزیه و تحلیل خواهند کرد

از آنجا که بیشتر مردم، به ویژه مردم غور- نسبت به وعده شکنی‌های قبلی بعضی از کاندیدان- دل‌گرمی چندانی ندارند تا با خواسته و علاقه خویش، از آن‌ها استقبال نمایند، به ایشان دل‌گرمی نشان داده و اطرافشان گردآیند، از همین لحاظ، کاندیدان محترم تمام سعی و تلاش خود را به خرج می‌دهند تا مردم را توسط: تبلیغات خویش از طریق تلویزیون، رادیو، رسانه‌های چاپی و بالاخره با تدارک مهمانی‌ها و گردهم‌آیی‌های که برای مردم نان چاشت و شب تهیه کنند، هدیه‌ها تقدیم نمایند و پول‌های بی‌بازخواست و از باد آمده‌یی را در این زمینه به خاک بدهند، گرد خود فراخوانند.

اما بی‌خبر از این‌که: مردم دیگر هوشیار شدند، تحت اثر هیچ تبلیغ و آگاهی حساب نشده‌یی نمی‌روند و هدف اصلی خویش که همانا یک حکومت صادق، قانونی و خادم ملت مظلوم این سرزمین باشد، دنبال می‌کنند تا با تجزیه و تحلیل، شخصی را از میان کاندیدان برگزینند که لاقط به پیمانی که می‌دهد خودش باور داشته باشد و به آن عمل کند، نه این‌که با سخنان چرب و نرم خویش با سرنوشت این ملت رنج دیده بازی نماید.

مردم غور، حدود ده سال پیش، از حامد کرزی رییس جمهور بحال افغانستان سخت حمایت و پشتیبانی کرده و بیش‌ترین آرای خود را در صندوق وی ریختند. کرزی در اولین سفر خود به ولایت غور، وعده‌ها و پیمان‌های امیدوار کننده‌یی داد؛ از جمله این‌که: «ولایت غور قلب افغانستان است و من اولین کاری که می‌خواهم انجام دهم، این است که قلب افغانستان را ترمیم و مداوا می‌کنم.» ولی با ابراز تأسف باید خاطر نشان گردد که آقای کرزی همین‌که در کرسی ریاست جمهوری تکیه زد، علی‌رغم این‌که دستی بر پیکر پاشیده و مجروح این قلب شکسته نزد، حتا کوچک‌ترین یادی از باشندگان این ولایت، جهت سپاس و قدردانی از پشتیبانی‌های شان نکرد و خود را به اندازه یک زره هم ممنون احسان این مردم ندانست.

زیرا بر همه‌گان روشن و برملا است که آقای کرزی، در طول دوران ریاست جمهوری خویش، چیزی که مردم غور از او خواستند وعده داد و به انجام نرسانید و به سرنوشت ملت غور، خصمانه بازی کرد. بند برق گرم‌آب و سرک مرکزی این ولایت بارها سروی و بررسی شد، اما بنا بر دخالت کسانی که به خاطر سود شخصی خویش، حرکات بیجا یا ناجا انجام می‌دهند، این پروژه‌های که برای مردم اهمیت و سود اساسی داشت، اثری از کار عملی و پیوستن پیمان به عمل دیده نشد.

این روزها، در مرکز ولایت غور دفاتر نمایندگی‌های کاندیدان ریاست جمهوری، مصارف عجیبی را متحمل می‌شوند و تمام مردم شهر را در دفاتر خویش نان می‌دهند که این میزان مصارف، بیش‌تر از معیاری است که قانون انتخابات، برای کاندیدان ریاست جمهوری تعیین کرده است؛ به گونه مثال: اگر هر کاندید، در هر ولایت روز بیست هزار افغانی (۲۰۰۰۰) در دفتر خود به مصرف برساند، در طی دو ماه بیش از چهل میلیون افغانی (۴۰۰۰۰۰۰۰) می‌شود. در حالی که ماده ۴۹ قانون انتخابات فقره (۱) در رابطه به حدود مصارف انتخاباتی کاندیدان ریاست جمهوری چنین صراحت دارد: «کاندیدان کرسی‌های انتخابی نمی‌توانند در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری بیش از مبلغ ده میلیون افغانی (۱۰۰۰۰۰۰۰)، به مصرف برسانند» آیا این پول‌ها را از کجا و چگونه به دست آورده و می‌آورند؟ در حالی که قانون انتخابات می‌گوید: «کاندیدان مندرج فقره (۱) ماده ۴۹ این قانون، نمی‌توانند از اتباع یا دول خارجی و یا نمایندگی‌های سیاسی کشورهای خارجی مقیم افغانستان مساعدت‌های مالی و تخنیکی را قبول یا دریافت نمایند.» و بیش‌تر کاندیدان هم، دارایی خویش را خیلی کم‌تر از این‌ها معرفی می‌کنند که با ملاحظه این جریان سوالاتی در ذهن هر شهروند خلق می‌شود: این پول‌ها از کجا به دست کاندیدان محترم ریاست جمهوری آمده است؟ آیا این همه سرمایه، از تلف کردن و نادیده گرفتن حق بی‌کسان و مردم دست پایین ملکت نیست؟ آیا این پول‌ها را با معامله نمودن خویش جهت لغو کردن پروژه‌های زیربنای و اساسی غور، بادغیس و ... به دست آورده اند یا منبع قانونی دیگری، طبق گفته قانون انتخابات سراغ دارند؟ آیا کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی یا ارگان دیگری که جریان مصارف کاندیدان را دقیقاً بررسی کند، در زمینه تصمیمی عملی و دقیقی روی دست دارد؟

## اشتراک در انتخابات فریضه ملی است

عبدالباقی وفا

اگر حکومت، سیاست‌ها و شرایط کشور را به گونه مدیریت کند که مردم با ذوق، علاقه و بامسؤولیت دینی و ملی به پای صندوق‌های رأی حاضر شوند در آن صورت است که یکی از جلوه‌های بزرگ اقتدار، عزت و سربلندی نظام کنونی کشور نمایان خواهد شد. از آنجای که می‌دانیم، انتخابات سالم و شفاف در کشور یک نیاز است، چون انتخابات است که زمینه انتقال قدرت را به گونه سالم آن مهیا می‌کند و فرد خُبره را از میان مردم و به اراده مردم برمی‌گزیند.

بنابر این انتخابات تمثیلی از یک جامعه دموکراتیک است و مردم با اشتراک وسیع خود در آن می‌توانند این پیام را به جهانیان بدهند که افغان‌ها خواهان صلح و نظام دموکراسی هستند. از همین رو بر ماست تا به عنوان یک شهروند در کنار فعالیت‌های حکومت برای تشویق مردم در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها ولایتی سال ۱۳۹۳ به پای صندوق‌های رأی رفته، در انتخابات سهم بگیریم و به تشویق شهروندان در انتخابات به پردازیم. ما باید در انتخاب خود منافع کشور و مردم خود را در نظر بگیریم و به کسی رأی بدهیم که از دانش، تجربه و شهرت خوب در جامعه در عرصه مدیریت برخوردار باشد.



## اشعاری که با حروف بی‌نقطه سروده شده

از نوره‌الله صادقی، از قره زه نوروژ ولسوالۍ تیوره

**تهیه و ترتیب: علاوالدین سکندری**

الا هادِ ادر کاساً عطا را	صلاً در ده وصال مدّعا را
مکررّ ده مرا الهام دادار	مدامم درد دل دارد دوا را
مراد دل که راح روح دارد	علم کرده کلام حمد دوا را
کرم دارد کمال روح عالم	مگر کائس کرامم داد ما را
محمد سرور اولاد آدم	امامُ و مرّسل محمود ما را
در اکرام عطاً روح مُلهم	کلام کردگار او داد ما را
هُوالله لاِ الاِ الاِ هُوالله	مکرر گو مدامم مدّعا را

\* \* \*

در سرم گردد دمامد آه دل	دُود آهم هاله دارد راه دل
آهوی رم کرده گردد رام اگر	دام سودا را گمارده ماه دل
گر رسد دل در مراد وصل او	هم روا گردد مراد آگاه دل

\* \* \*

مدامم درد سر دارم دوا کو	دوای درد دل کو مدعا کو
مرا دلدار داده وعده وصل	سوالم حال وصل وعدها ماکو
مصور لوح صدرم را هوّله	که مدحم دل هوا دارد هوا کو
سوالم را ورا مسموع دارد	کدام اهل دلم دارد دلا کو
رهی دارالسلام داد سامع	کمال مدعا دارم کما کو
مصورکرد ما را کلک عادل	دلا ما را مصور ما سوا کو
دعا دارم عطای او همه‌حال	که ماوا در لحد دارم رها کو
همه عالم عطا داده عطا ده	عطا ام ده که ما را ماسوا کو

\* \* \*

دروذُ ورد ما هر دم هوالله	که اسرار هوالله دارم همراه
سرم را هم سودا سر او هو	گواه لا الا الا هوالله
کرا داد هوالله او مدد کرد	هم از سرّ هوالله گردد آگاه
رسد اسرار هوهرحامل سرّ	مدرس کرد داد سرّ هوالله
در اول علم الاسماً اوداد	که آدم کرد داد اسماً آگاه
معلم داد آدم را همه علم	کرم کرد و علم داد همه آگاه
هوا ما سواها را رها کرد	که ره داد او عطّاً الله در گاه
رول الله راه آورد ما را	روم راه که او داده مرا راه

\* \* \*

مدامم در هوای وصل احمد	اگر کرد اعطا دارد محمد
مرا در هر دو عالم مدعا او	کمال مدعا دارد محمد
مراد ما دما دم وصل دلدار	مرادم را روا دارد محمد
علم دارد لوای مدح لولاک	همه علم هدا دارد محمد
عطای کردگار او داد ما را	ره و رسم عطا دارد محمد
مکرم در همه اولاد آدم	کرم را دایما دارد محمد
همه اهل رسول دارد عطا ها	سراسر کلما دارد محمد
سحر گاه مسا «صادق» همه حال	
دروذ ورد ها دارد محمد	

# نقش امید در رشد جامعه

**ضیاءالحق عرفانی**

اگر آنچه که در بارهٔ نقش امید در زندگی و در کنار مشکلات و سختی‌های که تحقق اهداف اجتماعی، خصوصاً هدف‌های بزرگ، به همراه دارد و ناکامی‌های احتمالی که در کمین تحقق هدف‌ها نشسته اند ملاحظه شود ، به این نتیجه می‌رسیم که امید و آرزو بالاترین نقش را در رشد جامعه بازی می‌کند و تنها کسی قادر به ایفای نقش اجتماعی است که، هم خود به تحقق هدف امیدوار باشد و هم بتواند افراد جامعهٔ خودرا در نیل به مقصود امیدوار سازد، البته باید اشاره کرد که هرچه عنصر امید بهتر و قوی‌تر در زندگی اجتماعی به کار گرفته شود درصد احتمال تحقق هدف بالاتر می‌رود. یقین دارم که در راس همه مدیریت‌ها که جزئی از رفتارهای انسان برتر به حساب می‌آید و برای بهتر زیستن موثر است، مدیریت خداوند متعال قراردارد. اگر کتاب خدا، قرآن کریم را یک‌بار از ابتدا تا انتها از بُعد برخورد مدیریتی خدا با انسان مورد مطالعه و دقت قرار دهید، خواهید دیدکه آفریدگار جهان به بهترین وجه از عنصر امید در کار خود برای تکامل انسان، استفاده نموده و در مسایل اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، در جنبه‌های فردی و اجتماعی در امور دنیوی و اخروی همه جا سخن از امید است. این باب گستره‌یی است که در این مقاله نمی‌توان آن را گشود، تنها به ذکر دو نمونه از مواردی که خداوند از عنصر امید برای سازندگی جامعه استفاده نموده است اکتفا می‌کنیم:

۱ – **امید به تکامل:**

برای این‌که انسان به منظور ساختن خود و رسیدن به قلهٔ تکامل از تمام توان خویش نهایت بهره‌برداری را بکند، خداوند متعال یأس و نومیدی را مطلقاً ممنوع ساخته است و به هیچ کس اجازه نمی‌دهد که در هیچ شرایطی از عنایات او جهت وصول به کمالاتی که فلسفهٔ آفرینش انسان است مأیوس شود، تصریح می کند، جز افراد کافر و گمراه، از رحمت و عنایت خداوند مأیوس نمی شوند، و اعلام می‌دارد که هرکس در هر شرایطی می‌توان توبه کند، راه انحطاط را رها سازد و به سوی طریق کمال باز گردد.

۲ - **امید به آینده:**

برای این‌که ناکامی پیروان واقعی انبیا در تحقق حکومت الهی در جهان، آنان را سست نکند، برای این‌که مصلحان جامعه مرعوب قدرت‌های استکباری نشوند و برای این‌که شکست‌های هواداران راستین حق و عدالت آن‌هارا مأیوس نسازد خداوند متعال توسط پیامبران بزرگ خود، در همه اعصار، چراغ امید به آینده را در کانون جان پیروان پیامبران روشن نموده است، که سرانجام، حکومت زمین از آن صالحان است خداوند(ج) می‌فرماید: در زبور از پی کتاب نوشتیم که حکومت زمین را بندگان شایستهٔ من به میراث می‌برند.

تا از همه توان خود، برای مبارزه با ظلم و ستم و تکامل جامعه استفاده کنند، که تکامل جامعه با اراده و تلاش انسان‌های شایسته بر اساس وعدهٔ قطعی خداوند تحقق خواهد یافت.

ابن عربی فرموده است که در مخلوقات خداوندی کسی از انسان زیباتر نیست؛ زیرا خداوند او را همراه بازندگی: عالم، قادر، گویا، سمیع، بصیر، مدبر و حکیم قرار داده است، و همهٔ این صفات در اصل، از آن خداوند متعال است. از اینجاست که مقولهٔ بعضی از علما شهرت یافته است که می‌فرمایند:« خداوند متعال آدم را به صورت خویش آفریده است»، مقصود از آن می‌تواند چنین باشد که پاره یی از صفات خداوند به انسان داده شده باشد و خداوند مقداری از صفات و اخلاق خویش را در انسان به ودیعه گذاشته است، ورنه خداوند از هر گونه شکل و صورت میرا است.

**واقعۀ عجیبی از حسن انسان:**

قرطبی نقل نموده است که عیسا بن موسا که یکی از مقربان دربار خلیفه ابوجعفر منصور بود، و با همسرش بی حد محبت داشت،

## انسان زیبا ترین مخلوق خدا در جهان هستی

**عبدالقاسم راجی**

عیسا بن موسا آن شب را با پریشانی و ناراحتی به سر برد، هنگامی که صبح پیش خلیفهٔ وقت ابوجعفر منصور رفت و واقعه را در محضر او گزارش نمود و پریشانی خویش را ابراز داشت، منصور فقها و اهل فتوای شهر را جمع نموده استفتا نمود، همه به یک جواب گفتند: همسرش به طلاق مغلظه طلاق شده است؛ زیرا ممکن نیست انسانی از ماه زیباتر باشد، البته یکی از علما که از شاگردان امام ابوحنیفه بود خاموش ماند، منصور از او پرسید که تو چرا خاموش هستی؟ آنگاه او به صحبت پرداخته و با خواندن بسم الله الرحمن الرحیم ، سورهٔ «والتین» را تلاوت نمود و فرمود که ای امیرالمؤمنین ! خداوند هر انسان را در احسن تقویم قرار داده است، { در حالی که در هیچ جای برای ماه گفته نشده که ماه در احسن تقویم خلق شده است} لذا هیچ چیزی از انسان زیبا تر نیست، با شنیدن این ، همهٔ علما و فقها حیران و مات ماندند و هیچ یکی با گفتهٔ او مخالفت ننمود، پس منصور حکم صادر نمود که همسرش مطلقه نشده است.
ازین معلوم گردید که انسان از همهٔ مخلوقات خداوندی زیباتر است، هم از نظر ظاهر و نیز از نظر باطن.

## تعصب چیست؟

عبدالکبیر صدیقی

- تعصب تنگ نظری است ، با دید وسیع نظر کنید.
- تعصب قوم پرستی است ، احترام به قوم های مختلف داشته باشید.
- تعصب داشتن تضلوت منفی است ، آنرا به قضاوت مثبت تبدیل کنید.
- تعصب حقیر بدداشتن دیگران است ، اعاده شخصیت کنید.
- تعصب تکبر ذهنی است ، خود را از لذت نجات دهید.
- تعصب مفکورهِ منفی است ، آنرا به مثبت تبدیل کنید.
- تعصب بیجا جهالت است ، خود را از آن نجات دهید.
- تعصب محضول خسرویت است ، در راه رفیع آن اقدام کنید.
- تعصب محضول مجروریت است ، از ترحم کار بگیرید.
- تعصب نداشتن معلومات در مورد اقوام دیگر است ، معلومات حاصل کنید.
- تعصب محضول معلومات غلط: در مورد دیگران است ، در جستجوی واقعیت باشید.
- تعصب محضول عقده است ، در راه رفیع آن اقدام کنید.
- تعصب مانند مرض سرطان است ، ریشه آن را قطع کنید.
- تعصب در عمل تبعیض است ، از آن خود داری کنید.
- تعصب وسیله سوء استفاده است ، هرگز وسیله آن قرار نه

- گیرید
- تعصب مانع پیشرفت است ، از آن اجتناب کنید.
- تعصب بد نتیجی است ، نیت تارا خوب کنید.
- تعصب کینه های هر عوامل تاریخ است ، قلب تارا از کینه پاک کنید.
- تعصب بد بینی است ، دیند تارا خوب کنید.
- تعصب عقده های روانی است خود را تداوی کنید.
- تعصب کلیند نفاق است ، اتحاد و غمبستگی نیاید.

# ویژگی‌های آیات مکی و مدنی در قرآن کریم

اگر به عناوین سوره های قرآن دقت کنید ، خواهید دید به بعضی مکی و به بعضی مدنی گفته شده است. که باید مفهوم آن روشن گردد. در اصطلاح مفسرین ، آیات مکی به آیاتی اطلاق می شود که قبل از هجرت پیامبر به مدینه بر ایشان نازل گشته و آیات مدنی به آیاتی گفته می شود که بعد از هجرت بر پیامبر نازل گردیده است.

**ویژگی های آیات مکی و مدنی:**

- هر سوره‌یی که در آن لفظ کلاً ( هرگز چنین نیست) آمده ، مکی است. این لفظ در پانزده سوره، ۳۳ بار به کار رفته و تمام آن آیات در نیمهٔ دوم قرآن آمده اند.
- هر سوره‌یی که در آن – مطابق مسلک حنیفی– آیهٔ سجده آمده ، مکی است.
- به جز سورهٔ بقره هر سوره‌یی که در آن واقعهٔ آدم و شیطان ذکر شده باشد، مکی است.
- هر سوره‌یی که در آن دستور جهاد یا احکام مربوط به آن ذکر شده ، مدنی است.

**ویژگی های سوره ها اکثراً به شرح زیر است:**

- در سوره های مکی عموماً مردم با الفاظ « یا آيِّهَا النَّاسُ » ( ای مردم) و در سوره های مدنی با الفاظ « یا آيِّهَا الَّذِین آمنوا » ( ای اهل ایمان) مورد خطاب قرار گرفته اند.
- آیات و سوره های مکی اکثراً کوتاه و مختصر ، ولی آیات و سوره های مدنی طویل و مفصل می باشند.
- سوره های مکی بیشتر حاوی مسایل توحید، رسالت و اثبات آخرت و منظرهٔ حشر و نشر و تلقین آن حضرت(ص) به صبر و بردباری و بررسی وقایع گذشته می باشد. در حالی که در سوره های مدنی قوانین خانوادگی ، تمدن، احکام جهاد، قتال ، حدود و فرائض بیان شده است.
- در سوره های مکی بیشتر مبارزات با بت پرستان بوده و در سوره های مدنی با اهل کتاب و منافقین می باشد.
- شوهٔ بیان سوره های مکی ، اغلب با شکوه است و در آنها استعارات و تشبیهات و تمثیلات بسیاری به کار رفته و مطالب با تعبیر گوناگون بررسی شده است. در حالیکه شیوهٔ بیان سوره های مدنی نسبتاً ساده است.

این اختلاف در کیفیت و کمیت سوره های مکی و مدنی در حقیقت به دلیل اختلاف در احوال و محیط اجتماعی مخاطبین آنها پدید آمده بود. زیرا در مکه مسلمانان بیشتر با بت پرستان در ارتباط بوده و حکومت اسلامی به وجود نیامده بود. بنا براین در آن زمان تلاش و کوشش فراوان جهت اصلاح و درستی عقاید و اخلاق و مبارزه استدلالی با اندیشهٔ بت پرستان و اعجاز قرآن به کار رفته ، در حالی که در مدینه عکس آن جریان داشته است؛ یعنی حکومت اسلامی تشکیل شده و مردم گروه گروه به اسلام روی می آوردند و بت پرستی در سطح عادی و معمولی خویش از بین رفته و اغلب مبارزاتی که به چشم می خورد از نوع مبارزهٔ عقیدتی با اهل کتاب بود. و این برنامه به نوبهٔ خود توجه به تعلیم احکام و قوانین و حدود و فرائض، و رد اهل کتاب را لازم و ضروری ساخته و شیوهٔ بیان مطالب را بر این سیاق استوار ساخته بود.

## قواعد درست نویسی

## سه نقطه یا نشانه انصراف (...):Ellipses

این نشانه را علامت تعلیق نیز نامیده اند. وقتی نویسنده، مطلب مورد نظر خود را می نویسد،ولی این نوشته، دنباله دارد یا در ذهن نویسنده مطلبی هست که نیابردن آن موضوع را مبهم و نارسا نمی کند و نویسنده نمی خواهد آن را در نوشته خود بیاورد؛ اما می خواهد دقت و توجه خواننده را به دنباله نوشته یا به وجود آن مطلب در ذهن خود معطوف سازد، در چنین صورتی این علامت به کار می رود؛ به گونه مثال:

"مدیر لیسه... همینکه این راشنید ، دنبالهٔ سخن را کوتاه کرد و از دفتر کارش به سوی صنف هارفت. یا: پدرش گفت " :عبدالله کتاب های لغت، صرف و ... را خوانده بود". به قول سعدی : " تربیت، فرد نا قابل را قابل می سازد: ... " ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس". قابل یاد آوری است که:

نخست- در مورد حذف یک یا قسمتی ازعبارت که برای دیگران آشکار باشد، بکار برده می شود؛ مانند :

ناصر پنج پسر داشت :آصف غلام جان، بشیر....

دوم - هرگاه نوشتن چند کلمه یا قسمتی از عبارت ضروری نباشد ، نشانهٔ انصراف استعمال می گردد؛ مثلاً :

او ساعت دوازده ظهر به خانه رفت پس از صرف غذا، تفریح و... استراحت کرد.

سوم - اگر چیز هایی که از بعضی رهگذر قابل نوشتن نباشد به جای آن چند نقطه میگذارند.

چهارم - برای نشان دادن گذشت زمان استعمال می شود؛ چون :قدرت مکالمه کردن را نداشت، این کلمات را بریده بریده میگفت: خدایا!"... یاری کن ... می میرم"...

همچنان به جای یک یا چند کلمه محذوف می آید؛ مانند :عصر بی دانشی، یک سونگری و... سپری شده است .

یا: فقر و ناداری و بیکاری و ... از عوامل فساد جامعه است.

قابل یاد آوری است که درتصحیح متن های کهن ، آنجا که مصحح درمتن افتاده گی هایی می بیند که نسخه بدل ها در آنجا ساکت مانده است به کار می رود؛ مانند: "باز گردید وکارهای خویش بسازید که آنچه نباید فرمود، شما را فرمایم آن مدت که شما را اینجا مقام باشد وآن .... روز خواهد بود( تاریخ بیهقی ص ۸۸).

فراموش نباید کرد که هرگاه سه نقطه در انتهای جمله واقع شد، یک نقطه دیگر به نشانه پایان جمله باید افزوده شود؛ مثلاً درین جمله: دین مبین اسلام پنج بناء دارد :کلمه، نماز....

## ده شیوهٔ علمی برای احساس شادمانی در زندگی:

**عبدالغفور شیرزاد**

۱ – هرگز از پرسش کردن باز نمانید.

هرگاه ازانجام کاری دلزده و خسته شدید، از خودتان بپرسید:« به چه نحوی کاری که انجام می‌دهم به من در رسیدن به هدف نه‌ای ام یاری می‌کند؟» چگونه می‌توانم کارم را بهتر، سریع‌تر، ساده‌تر،آسان‌تر و سرگرم کننده‌تر انجام دهم؟.

۲ – احساس ناامیدی را از خودتان دورکنید.

۳ – ضعف‌های خودتان را بپذیرید، هرکس ضعف‌های دارد این واقعیتی است ! به جای فروماندن در ضعف‌های خود وگرفتار شدن در دام یأس و ناامیدی، بکوشید بر ضعف‌هایتان غلبه کنید.

۴ – یادگیری را هرگز فراموش نکنید! مغز، ماهیچه‌یی مانند سایر ماهیچه‌هاست، برای پرورش مغز، باید آن‌را با فعال کردن از طریق یادگیری ، ورزیده کنید.

۵ – از مطلق گرای دوری کنید. ما، درگستره‌یی از نسبت‌های زندگی می‌کنیم. تلاش کنید از هرچیزی به نسبتی که می‌توانید بهره بگیرید، هیچ‌کس در زندگی همیشه نمی تواند نمره اول بگیرد، ولی می‌تواند همیشه بیشترین تلاش را انجام دهد و از نتیجه به دست آمده خرسند باشد، خواه پیروز باشد خواه شکست خورد.

۶ – با خودتان صادق و راست باشید. صادق نبودن با خود، آسیب رسان‌تر از احترام نگذاشتن به خود است.

۷ – مهارت‌های زندگی خود را افزایش دهید و سعی کنید مدیرلایق برای خانواده باشید.

۸ – در گذشته زندگی نکنید. اجازه بدهید غبار گذشته از شانه‌هایتان فروریزد و دانه‌های شفاف و نورانی آن راه، فراروی تان را روشن سازد هراندازه در تیرگی گذشته گام بردارید از روشنای آینده دورتر خواهید شد، فروماندن در گذشته فروماندن در سیاهی است.

۹ – در حال شناکنید. وقت‌تان را بر سرآن‌چه نمی‌توانید کنترل کنید سپری نکنید، به مردم و اطرفیان‌تان عشق بورزید، مهرورزی یکی از راه‌های شادمانی و یکی از ویژه‌گی‌های انسان‌های برتر است..

۱۰ – همچون کوه استوار باشید. حقوق خودتان را بازشناسید و به حقوق اجتماعی آگاه شوید، برای رسیدن به حق خود پیوسته بکوشید، تلاش شما میزان دست‌یابی به حقوق تان را مشخص می‌کند.

# چرا پول‌های خود را آتش می‌زنید؟

محمد نصیر توکلی

اگر در مسیر راه، خانه یا جای دیگر، کسی را ببینید که ۱۰۰ افغانی، ۵۰ افغانی یا حتا ۱۰ افغانی را توسط گوگرد یا یک وسیله احتراقی دیگری به آتش می‌کشد و می‌سوزاند، راجع به او چه فکر می‌کنید؟ شاید بگویید این آدم دیوانه شده، یا بگویید اعصابش خراب است و یا ...

اما بارها دیده ایم که بسیاری از جوانان و افراد جامعه ما، به شیوه‌ها و روش‌های دیگری همچنین پول‌های خود را آتش می‌زنند. این به بدین معناست که تعدادی از افراد اجتماع، با خریدن سیگار، سوختاندن و کشیدن آن در حقیقت، سیگار نه که پول‌های خویش را می‌سوزانند. زیرا فرقی نمی‌کند که جنس پول، به آتش زده شود یا اینکه پول را روی جنس دیگری به مصرف رسانیده، سپس آن جنس را بسوزانند.

گرچه این کوچک‌ترین نمونه به هدر دادن و بیجا مصرف نمودن درآمد یک فرد در اجتماع است، در حالی که بسیاری از افراد در اجتماع به گونه ناپسندتر و بدتری هم - مانند صرف نمودن پول به خاطر خرید انواع دیگر مواد مخدر؛ مثل: چرس و تریاک و هیرویین و امثال اینها - درآمد و پول‌های خویش را بی‌خبرانه هدر می‌دهند.

کسانی را سراغ داریم که به طور میان‌گین و حد اوسط، روزانه یک قطی سیگار را به مصرف می‌رسانند و ارزش این یک قطی سیگار را همچنان اگر به قیمت سیگارهای معمولی - نه ۱۵۰/۱۰۰ افغانی - حساب کنیم، فی قطی سیگار ۲۰ افغانی که در جریان یک سال مبلغ ۷۳۰۰ افغانی می‌شود و این مبلغ پولی است که یک شخص سیگاری، به گونه معمولی در طول یک‌سال به آتش می‌زند و بدون هدف آنرا هدر می‌هد.

«داکتران، بسیاری از امراض خطرناک را به دخانیات و سیگار نسبت داده‌اند؛ از جمله: فشار خون، سرعت تپش قلب، ضعف اشتها، التهاب معده و روده و تأثیرات ناگوار بالای جگر و گرده و شریان‌ها، و ضرر دخانیات به جان و مال که دو امانت خداوندی در نزد هر انسان بوده و خداوند جهانیان انسان‌ها را به حفاظت آن‌ها مامور ساخته است، هم از نظر علم و هم از طریق طب چنان ثابت گردیده که هیچ جای شک باقی نمی‌ماند. لذا مسوولیت آن در روزی که انسان‌ها با پروردگارشان ملاقات می‌کنند، مسوولیتی است بزرگ و حسابی است دشوار که در زمینه صورت می‌گیرد.»



گرچه ما نمی‌خواهیم روی زیان‌های جسمی آن به تفصیل بحث و تبادل نظر نماییم اما تنها چیزی که پیدا و هویداست - و مورد بحث ما نیز می‌باشد - این است که مردم و جامعه انسانی، بیش‌تر از همه با مشکلات اقتصادی و دخل و خرج، دست و پنجه نرم می‌کنند و از این ناحیه، بدترین وضعیت و شرایط را بر دوش می‌کشند. روی همین هدف، می‌خواهیم خاطر نشان سازیم که: بسیاری از جوانان، برخلاف اینکه کار، شغل و یا درآمدی ندارند و از مرض بیکاری رنج می‌برند، با آن‌هم دست به هرگونه حرکتی می‌زنند تا پول سیگار خویش را فراهم نمایند و جهت به دست آوردن این پول حاضرند زیر بار قرض‌داری، منت‌کشی و حتا دزدی بروند، در حالی که اگر مبلغ ۷۳۰۰ افغانی، در راه‌های بی‌هوده‌گری و دود نمودن سیگار و امثال این‌ها به هدر نرود، مصارف نان-نان خشک - یک خانواده را که دارای ۵/۴ سر نفوس باشد، در جریان یک‌سال تأمین می‌کند.

بنابراین بر تمام اقشار جامعه - به ویژه جوانان - لازم و نیاز اساسی است تا پول‌های خویش را به دست خویش و به رضایت و خواست خود، صرف چیزهای بی‌ارزش و اشیای ممنوعه نکرده و سپس آن‌ها را آتش نزنند. البته باید در برابر این پدیده شوم، جان‌سوز و سرمایه‌سوز در اندازه توان خویش مبارزه نموده و برای از بین بردن آن با جان و توان تلاش نمایند.

ولی با تأسف و درد فراوان که: از یک‌سو نانی برای خوردن و تأمین خرج و نفقه خود و خانواده خود نداریم و منبع در آمدمان هم معلوم نیست و روز یک افغانی درآمد هم برای مان میسر نمی‌باشد؛ و از سوی دیگر روز ۲۰ افغانی را روی قطی سیگار گذاشته به بهانه‌های گوناگونی چون: سرما، ریزش و از همه بدتر غمزه و خیال، آنرا آتش می‌زنیم.

که این عمل ما، علی‌رغم این‌که هیچ دردی را دوا نمی‌کند، بلکه در حقیقت به آتش کشیدن پول در دست خودمان به شمار می‌رود.

درآمد چو نوزده، بدر رفت به بیست/به احوال آن شخص باید گریست



## ارزان‌ترین انرژی دنیا

## به قیمت‌ترین نرخ در غور میسر نیست

محمد رسول اعتماد

برق از جمله ارزان‌ترین انرژی دنیا است که به نازل‌ترین نرخ برای شهروندان هر کشور، عرضه می‌شود اما متأسفانه این انرژی به قیمت‌ترین نرخ هم در دسترس شهروندان غور مهیا نشده است.

این چقدر تفاوت است که ما از کاروان زودگذر در حال تغییر دنیا، دنبال مانده ایم؟

هشت سال قبل از امروز از سفر رییس جمهور گرفته تا وزرا و والیانی که به پست مقام ولایت غور تکیه می‌زدند، وعده‌های گرم از اعمار بند برق غور می‌دادند که به زودی به داوطلبی گذاشته خواهد شد و کار آن آغاز می‌شود. زمزمه‌های از ساختن بند برق بین مردم جلب توجه می‌کرد، اما مدت یک سال است که مردم درک کردند که این حرف‌ها، به جز از دل خوش کردن چیزی دیگری نبوده کسی هم نیست روی چنین منافعی تلاش کند که وعده‌های داده شده جامه عمل بپوشد.

تمام مردم شاهد هستند که عرضه خدمات برقی برای مردم در جریان سال ۱۳۹۲ به مراتب از سال‌های گذشته به چالش بیش‌تر روبرو بوده، این یک سهل‌انگاری مطلق مسوولین را نشان می‌دهد که هیچ برنامه منظمی به منظور عرضه خدمات بهتر برق به خاطر روشن ساختن خانه‌های شهروندان غوری طراحی و در منصفه اجرا نگذاشتند.

سوال اینجاست که چرا مردم غور با داشتن چنین دریا‌های خروشان که توان تولید انرژی برقی فراوان را دارا است، نتوانستند دست‌کم طی دوازده سال گذشته ضروریات ابتدایی برق شهر خویش را مرفوع سازند؟

دو سال قبل، شهر چغچران سرک اسفالت شده نداشت، مردم بین گرد و خاک رفت و آمد می‌کردند تا این‌که تظاهرات مسالمت آمیز را به ابتکار شورای شهر چغچران به راه انداختند و به کاه‌گل کاری سرک‌ها پرداختند و خواست مشروع خویش را، از حکومت مرکزی تقاضا نمودند که پلان طرح شده قبلی دولت در منصفه اجرا گذاشته شد، مشکلات نسبتاً رفع شده است که پیامد خوبی در پی داشت.

ای کاش نمایندگان مردم چه در پارلمان و چه در شورای ولایتی احساس مسوولیت می‌کردند که مردم غور حداقل از برنامه‌های انکشاف متوازن دولت برخوردار شوند، ای کاش به جای این‌که آن‌قدر تلاش به خاطر کشمکش‌های قومی و سمتی خود کردند، نیمی از آنرا مطابق تعهدی که به مردم داده بودند، برای مردم و ولایت خود عمل می‌کردند تا یک دست آورد دست‌جمعی که منافع ملی مردم غور در آن تأمین می‌شد از وکلای منتخب دور دوم به جا می‌ماند، که هنوز هم فرصت است متوجه این مسوولیت خود شوند.

این مردم با شما اعتماد کردند و شما را من حیث نماینده خویش در خانه ملت فرستادند، مردم سزاوار این نیست که همیشه در تاریکی، بیکاری و فقر زندگی کنند باید درهای را بکوبند که راه حل‌های ناهنجاری غور در آن درمان شود.

به امید این‌که مردم غور در مبارزات انتخاباتی کاندیدان سال ۱۳۹۳ از اشخاصی حمایت کنند که دارای ظرفیت، طرح برنامه‌های موثر و اهداف خوبی برای نجات مردم از وضعیت کنون، داشته باشند تا بتوانند مشکلات و نگرانی‌های سد راه مردم را درک و راه حل‌های خوبی جست‌جو کنند.